

در بحث از قانون اساسی و حقوق شهروندان، پذیرفتن يك فرض مسلم هم عقلایی است و هم بجای آن اینکه هیچ قانون اساسی طبعاً و ذاتاً نمی تواند نسبت به حقوق شهروندان ساکت بماند؛ بلکه بنیادی ترین بخش هر قانون اساسی، اعلام حقوق و آزادی های اساسی افراد است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. گرچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واژه های شهروند و حقوق شهروندی به کار نرفته ولی در عوض، از تعبیراتی چون حقوق ملت، حقوق عمومی، حقوق عامه، حقوق فردی اجتماعی چندبار استفاده شده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنیادگذاری قانون اساسی برای برپایی نظامی نو و ساختاری جدید، از نخستین برنامه هایی بود که توسط امام خمینی (ره) اعلام شد. در آن میان، پس از تنظیم پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برگزاری انتخابات خبرگان قانون اساسی، مجلسی با عنوان «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» تشکیل شد و وظیفه دار تدوین و تصویب قانون اساسی تازه گشت. در مذاکرات پر حجم خبرگان قانون اساسی هم درون مایه هایی از بحث و جدل های گوناگون بر سر موضوع حقوق ملت وجود دارد که در این نوشته پی جوی چندوچون آن خواهیم بود. مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی مربوط به سال ۱۳۵۸ خورشیدی است و اکنون که نوزده سال از آن زمان می گذرد بجاست چند نکته را بررسی کنیم:

۱- واضعان قانون اساسی کشورمان درباره حقوق شهروندی و حقوق ملت چه اندیشه هایی داشته اند؟

۲- پس از نوزده سال، آنچه بر روی کاغذ آمده بود از عالم نظر به عالم عمل آمده است. بر این اساس می توان پیشرفت یا پسرفت مردم گرایی و مدنیت را در کشور سنجید و با آن واقع بینانه آینده را دید و رقم زد. در این میان اصلی ترین متن مرتبط با قانون اساسی که سندی وثیق محسوب می شود اهمیت والایی دارد.

پرسش بنیادین این نوشته از قرار زیر است: «جایگاه حقوق ملت و حقوق شهروندی در مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟»

پیرو این پرسش محوری می توان چند پرسش دیگر نیز مطرح نمود:

۱- آیا اهمیت و ویژگی حقوق شهروندی در مجموع این مذاکرات مد نظر بوده است؟
 ۲- طرز نگرش خبرگان قانون اساسی نسبت به حقوق ملت چگونه بوده است؟
 ۳- آیا قبول و التزام به حقوق شهروندی در مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی، از بدیهیات محسوب می شده یا بر سر آن جدل های مفهومی و عدم اتفاق نظر حاکم بوده است؟

فرضیه موقت این مکتوب که پاسخی است کوتاه و گذرا به پرسش بنیادین، از قرار زیر است: «واضعان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سه تصور اساسی درباره حقوق شهروندی و حقوق ملت داشته اند:

۱- تأکید مذهبی بر حقوق و آزادی ها
 ۲- بدیهی بودن آنها
 ۳- الزام به قبول عقلی و طبیعی آنها.»
 در این مقاله دو نکته مفروض گرفته شده و از پیش، مسلم پنداشته شده است:

یک) واژه هایی چون حقوق شهروندی، حقوق ملت، حقوق عامه، حقوق عمومی، حقوق فردی و حقوق اجتماعی همگی یکسان انگاشته شده اند. (دو) آنچه به صورت قانون اساسی کشورمان مکتوب شده است، کم و بیش همه حقوق شهروندی را در بر می گیرد. بنابراین نکته و پدیده ای را از بیرون از قانون اساسی به آن افزون نمی کنیم.

در این مکتوب، تنها به هفت اصل از اصول قانون اساسی پرداخته و بررسی سایر اصول را به فرصتی دیگر وانهاده ایم. این اصول هفتگانه عبارت از اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۳۲، ۳۴ و ۳۷ می باشد.

زیستن بشر در مجتمع های مدنی یا اجتماعات انسانی، از همان گام نخست او را در

قانون اساسی و حقوق شهروندان

نگاهی به جایگاه حقوق

شهروندی در مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نوشته محسن خلیلی

اندیشمند به ماهیت انسان، ماهیت دولت و درباره بهترین شکل حکومت و غایات سیاسی داشته است.

«تاریخ اندیشه سیاسی عبارت از پیشینه کوشش‌هایی است که طی قرون و اعصار در زمینه پاسخ دادن به این پرسش به عمل آمده است: چرا من باید از دولت اطاعت کنم؟»^۲

از میان پاسخ‌های گوناگون، پاسخی که از نظرگاه اجتماعی به این پرسش اساسی داده شده، رهنمونی اساسی برای درک و فهم ساختار و کارکرد قانون اساسی است:

«چون دولت و من در این رهگذر به توافق رسیده‌ایم»^۴

در واقع، قانون اساسی، حاصل پاسخگویی به دو پرسش اساسی در تاریخ فلسفه سیاسی و تاریخ اندیشه سیاسی است:

یک) پرسش فلسفه سیاسی:

«چگونه باید حکومت کرد؟»

و پاسخ آن:

«حکومت کردن باید به شیوه‌ای باشد که در آن حقوق و تکالیف دوسویه فرمانروایان و فرمانبران پاس داشته شود.»

دو) پرسش اندیشه سیاسی:

«چرا باید از دولت اطاعت کنم؟»

و پاسخ آن:

«زیرا من طی یک قرارداد، موافقت کرده‌ام که برای انتظام امور عمومی اجتماع از برخی حقوق و آزادی‌های خود به نفع دولت چشم‌پوشی کنم و دولت نیز قول داده است که امنیت و حقوق و آزادی‌های توافقی و میثاقی مرا، نگاهبانی و تأمین کند.»

چنین پرسش و پاسخی هم به لحاظ فلسفه سیاسی و هم به لحاظ اندیشه سیاسی، در دوران مدرنیته شکل منسجم و پرداخت شده یافته است و قانون اساسی نوعی سازوکار ابزاری برای تضمین انتظام اجتماعی، تأمین تمنیات فرد و حدود و حیطة اقتدار دولت است. بنابراین قانون اساسی دستاورد ابزاری مدرنیته است و هدف از آن پاسداری از حقوق اساسی بشر و آزادی‌های عمومی و فردی انسان در برابر تجاوزگری ذاتی ساختار قدرت سیاسی است. درست است که

برابر پرسش‌هایی چند، قرار داد. این پرسش‌ها کم‌کم از ذهنیت‌های جداگانه انسانی به قلمرو معرفت فلسفی راه یافت و نخستین پرسش‌های فلسفی را درباره چیستی و ماهیت برخی از مفهومی‌های رایج در زندگی مدنی به دنبال آورد. این شاخه از معرفت بشری به تدریج فلسفه سیاسی نام گرفت.

«موضوع بحث فلسفه سیاسی، کل دولت یا جامعه سیاسی است؛ به سخن دیگر دل‌نگرانی اخلاقی برای کیفیت زندگی کل جامعه سیاسی ویژگی اصلی فلسفه سیاسی است.»^۱

فلسفه سیاسی، به لحاظ تاریخی، مسامحتاً دو دوره جداگانه را پشت سر گذاشته است. در فلسفه

سیاسی عصر قدیم، روزگار پیش از سقراط، افلاطون، ارسطو و برخی نحله‌های هلنیك و قرون میانه را شامل می‌شود؛ و فلسفه سیاسی روزگار جدید را با نیکولو ماکیاولی، ژان بدن، تامس هابز، جان لاک، شارل مونتسکیو، ژان ژاک روسو و جان

استوارت میل می‌شناسیم. وجه تمایز این دو دوره،

پرسشی اساسی بود که در هر دوره محور فلسفه سیاسی را تشکیل می‌داد. پرسش اساسی فلسفه

سیاسی عصر قدیم این بود که «چه کسی باید حاکم باشد؟»؛ اما پرسش بنیادین فلسفه سیاسی عصر جدید، با درگذشتن از ویژگی‌های شخص حاکم، این است که «چگونه باید حکومت کرد؟» هرگونه

پاسخ به پرسش اخیر به ناچار می‌بایست حول ویژگی‌های حکومت و نه شخص حاکم دور زند.

جدای از این دو پرسش گونه‌گون، فلسفه سیاسی ماهیتاً گوهر یکسانی داشته و چه در عصر قدیم و چه در روزگاران نو. «به تنظیم و عرضه مفاهیم و نظراتی برای فهم ماهیت حکم و آمریت، اطاعت و

تبعیت، ماهیت و ضرورت و غایت جامعه و دولت، علت و چگونگی تشکّل انسان در اجتماعات، شرایط بهزیستی سیاسی انسان یا بهترین شیوه

سازمان دادن به زندگی انسان در جامعه و مآلاً غایات و ارزش‌های اساسی زندگی سیاسی به‌ویژه عدالت، آزادی و برابری» پرداخته است.^۲

از سوی دیگر، در تاریخ اندیشه سیاسی هم که وجه عمل‌گرایانه‌تری نسبت به فلسفه سیاسی دارد، همواره یک پرسش اساسی مطرح بوده است. این پرسش زاده نوع‌نگرشی است که هر

● قانون اساسی، دستاورد ابزاری دوران مدرنیته است و هدف از آن از یک نظر، پاسداری از حقوق اساسی بشر و آزادی‌های عمومی و فردی انسان در برابر تجاوزگری ذاتی ساختار قدرت سیاسی است.

● پرسش اساسی فلسفه سیاسی عصر قدیم این بود که «چه کسی باید حکومت کند؟» اما پرسش بنیادین فلسفه سیاسی عصر جدید این است که «چگونه باید حکومت کرد؟» هرگونه پاسخ به پرسش اخیر به ناچار می‌بایست حول ویژگی‌های حکومت، و نه شخص حاکم دور زند.

قانون اساسی به تعاملات چهارگانه حق فرد، حق دولت، تکلیف فرد و تکلیف دولت پرداخته اما از آنجا که فرد در برابر لویاتان دولت تنها و بی‌پناه است، قانون اساسی به لحاظ ذاتی، کارکردی، تاریخی، جامعه‌شناختی و معرفت‌شناسانه ابزار دفاع و نگاهبانی از حقوق اساسی و آزادی‌های فردی گشته است.^۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در عین حال که خود یک متن مکتوب حقوقی مدون و در تداوم سایر قوانین اساسی دوران مدرنیته است، محصول انقلابی است که مدعیاتی خاص خود داشت. انقلاب اسلامی ایران رژیم پیشین را متهم کرد و مجرم شناخت و اکنون خود مدعی نظم نوینی شده است.

گفتار یکم: اصل نوزدهم

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شکل پنجمین اصل پیش‌نویس قانون اساسی طرح‌ریزی شده بود: «بر مبنای آیه کریمه یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکروا نثی وجعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندا... اتقیکم، در جمهوری اسلامی ایران همه اقوام از قبیل فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و نظائر اینها از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند و هیچ‌کس را بر دیگری امتیاز نیست مگر به تقوا.»^۶ ولی در مذاکرات مجلس خبرگان، در جلسه بیست و هفتم، این اصل به صورت کوتاه شده و کمی تغییر یافته مطرح گشت:

«در جمهوری اسلامی ایران افراد از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.»^۷

مجموع نکته‌ها و نظرهایی که درباره این اصل مطرح شد از این قرار است:

- ۱- در این اصل مذهب قید نشده است. آیا پیروان مذاهب گوناگون مساوی‌اند یا خیر؟^۸
- ۲- در این اصل مایه‌های جغرافیایی و امور

طبیعی و نه مذهب مطرح شده است.^۹
۳- چنین اصلی صراحت دارد و هیچ موضوع مبهمی ندارد. بنابراین بهتر است که به رأی‌گیری درباره آن پرداخته شود چون ضرورتی به بحث نیست.^{۱۰}

۴- بهتر است دو واژه اقوام و جمهوری اسلامی را در نظر بیاوریم تا هم همه برادران مسلمان را شامل شود و هم با قید واژه ایران، تابعیت را که یک فرض مسلم حقوقی است، رعایت کرده باشیم.^{۱۱}
به دنبال برخی بحث‌های بسیار کوتاه و کم‌وبیش شکلی و نه محتوایی، رأی‌گیری به عمل می‌آید و اصل نوزدهم با ۵۷ رأی موافق، ۲ مخالف و ۷ ممتنع به تصویب می‌رسد.

گفتار دوم: اصل بیستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیستم قانون اساسی بر اصل بیست و دوم پیش‌نویس مبتنی بود:
«همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی‌اند.»^{۱۲}

بحث و بررسی درباره این اصل در مجلس خبرگان قانون اساسی کمی به درازا کشید. آنچه به برخی جدل‌ها دامن زد اختلاف نظر در این مورد بود که آیا واژه مساوی به حقوق تعلق می‌گیرد یا به امتیازات یا آنکه به برابری در پیشگاه قوانین اشاره دارد و گرنه مجادله ماهوی و مفهومی درباره خود اصل صورت نمی‌گیرد.

در طول مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نخست عبارت «و برخوردار از حقوق کامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و اداری و مدنی و فرهنگی»^{۱۳} و در جلسه بیست و چهارم نیز عبارت «طبق مقررات شرع که متناسب با استعدادها و زمینه‌های طبیعی و عاطفی و روحی هر کدام»^{۱۴} به آن افزوده می‌گردد. درباره این اصل نیز نکته‌هایی چند مطرح می‌شود:

- ۱- چنین اصلی هم شرعی است و هم انسانی

گفتار سوم: اصل بیست و دوم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

این اصل نیز بر اصل بیست و سوم پیش نویس قانون اساسی پایه گرفته بود:

«عقیده و حیثیت و جان و مسکن اشخاص محترم و از تعرض مصون است مگر به حکم قانون»^{۲۵}

اما این اصل با مختصری تغییر هر چند بسیار مهم در واژگان به صورت اصل بیست و هفتم گروه بررسی اصول در آمده بود. قید اضافه شده چنین بود: «مگر در مواردی که شرع تجویز کرده است»^{۲۶} نخستین نکته آن بود که آیا منظور از قانون شرع همان قانون مصوب مجلس است^{۲۷} و به دنبال آن برخی نکته‌های کم‌اهمیت و بدیهی نیز مطرح شد:

۱- معنای مسکن چیست و چه جایی را شامل می‌شود؟^{۲۸}

۲- مسکن عبارت از ماوا و ملجأ است و باید از تعرض مصون و در امنیت باشد.^{۲۹}

۳- واژه قانون بهتر و برتر از شرع است چون در سایر اصول قانون اساسی پیش بینی شده است که قوانین نمی‌توانند مغایر شرع باشند.^{۳۰}

۴- شرع اگر بخواهد قانونی شود و عمومیت یابد باید از طریق قوه مقننه باشد و شورای نگهبان نیز نگاهبان مشروع شرعی بودن آن است.^{۳۱}

۵- بهتر آن است که قوانین را طبق حکم شرع تصویب کنند نه آنکه فتاوی گوناگون در کشور حاکم باشد که هم هرج و مرج ایجاد می‌کند و هم خلاف قانون اساسی است.^{۳۲}

۶- اکثریت نمایندگان معتقد بودند که این اصل واضح است و توضیحی نمی‌خواهد، فقط باید درباره آن رأی گیری شود.^{۳۳}

در نهایت متن اصل با عبارت «مگر در مواردی که شرع تجویز کرده است» مردود، و با جایگزینی واژه «قانون» به جای شرع با موافق،^۴ ممتنع و بدون مخالف تصویب می‌شود.

زیرا زن و مرد در برابر قانون یکسان هستند.^{۱۵}
۲- در اسلام زن و مرد یکسان نیستند و همه افراد ملت نیز شامل افراد بی‌دین هم می‌شود و به همین دلیل این اصل ابهام دارد.^{۱۶}

۳- مساوات در برابر قانون غیر از مساوات در حقوق است زیرا در شرع برخی مناصب به زنان تفویض نشده است.^{۱۷}

۴- عبارت متناسب با استعدادها و یا زمینه‌های عاطفی و روحی به لحاظ سبک قانون نویسی در شأن قانون اساسی نیست و بهتر آن است که موارد استثناء را به عهده شرع و تعیین آن را به قانونگذاران بسپاریم.^{۱۸}

۵- برای ممانعت از بروز مشکلات بعدی، حمایت را به جای واژه برابر و مساوی می‌توان نشانده ولی نمی‌توان فراموش کرد که قانون‌گرایی یعنی همه به طرز یکسان از حمایت قانون، بهره‌مند شوند.^{۱۹}

۶- اسلام و شرع حقوق کامل داده‌اند و در عین رعایت تفاوت‌ها و استعدادها بهتر است دامنه حقوق را وسیع بگیریم و به آن تصریح کنیم.^{۲۰}

در نخستین رأی گیری با وجودی که بسیاری از خبرگان معتقد بودند که این اصل بدیهی و نیازمند بحث نیست، ولی اصل مزبور به تصویب نمی‌رسد و برای اصلاح به گروه و کمیسیون مشترک بازگردانده می‌شود.^{۲۱} از آنجا که تعداد مخالفان در رأی گیری کم بوده و این اصل تنها نیازمند چهار رأی موافق دیگر بوده است، این مسئله باعث اعتراض رئیس مجلس نسبت به عدم حضور تمام نمایندگان در جلسات می‌شود.^{۲۲}

سپس این اصل در جلسه بیست و هفتم بی‌گیری و معلوم می‌شود که اگر از همان آغاز از قید «موازن اسلامی» استفاده شده بود این بحث‌ها درگیر نمی‌گشت.^{۲۳}

بررسی کنندگان دو اصل نوزدهم و بیستم در گروه یازده نفره‌ای گرد آمده بودند که هفت نفر آنها از مجتهدین مسلم محسوب می‌شدند^{۲۴} و در نهایت توانستند یکی از بدیهی‌ترین حقوق اساسی را با قید موازن اسلامی به صورت یکی از اصول قانون اساسی در آورند.

● برخی از اصول بنیادین زندگی بشری، هم عقل‌پذیرند و هم شرع‌پذیر. حقوق شهروندی نیز یکی از این حیطه‌هاست که مورد احترام همگان قرار دارد و شرع و عقل بر آن صحه نهاده‌اند.

گفتار چهارم: اصل بیست و سوم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

شرعی هم هست و مشروعیست شرعی‌اش را از مبنای ولایت فقهی می‌گیرد که آن هم مورد قبول نمایندگان بوده است.^{۳۶}

۲- برای رفع هرگونه ابهام بهتر است دو کار صورت پذیرد:

یک) قید کردن عبارت احکام مسلمة شرعیه (دو) شکل قوانین موضوعه بخشیدن به تمامی مسلمات اسلام، تا هم به صورت خام در متون فقهی باقی نماند و هم بهانه‌جویی‌های داخلی و بین‌المللی بروز پیدا نکند.^{۳۷}

۳- بیشترین تلاش خبرگان، ممانعت از سوءاستفاده و سوءتعبیر از قانون بوده است و به همین لحاظ می‌خواسته‌اند مراحل تصویب و ابلاغ و اجرای قانون متمایز و کاملاً دقیق و معین باشد.^{۳۸}

بارد اولیّه این اصل در جلسه بیست و نهم، شکل جدید اصل سی و دوم به همان ترتیب که اکنون در قانون اساسی آمده است به بحث و بررسی گذاشته شد. در جلسه سی‌ام نیز نکته‌هایی چند بیان شد که خلاصه آن به قرار زیر است:

۱- هم و غم اساسی آن است که ظلم دستگاههای اجرایی و ضابط قانون بر متهمین کمتر گردد و گر نه قصد آن نیست که بر محتوای بنیادین اصل محدودیتی وارد آید.^{۳۹}

۲- این اصل اشکال شرعی و قانونی ندارد و قانون شرع نیز همان قانون مدنی شرعی مدون است.^{۴۰}

۳- سپس از سوی بسیاری از خبرگان قانون اساسی، عبارت‌های دیگری پیشنهاد می‌شود که همگی نشان‌دهنده دو حقیقت است:

یک) بنیاد و اساس اصل سی و دوم بدیهی تلقی و مورد پذیرش واقع شده است.

دو) ولی به دلیل تجربه‌های تلخ ناشی از بی‌قانونی‌هایی که در بازداشت‌ها، زندان‌ها و سایر مراحل تفهیم اتهام تا پرونده‌سازی و محاکمه در زمان رژیم پهلوی رخ می‌داد خبرگان قانون اساسی می‌خواسته‌اند اصلی فراهم آورند که هرگونه راه سوءاستفاده و سوءتعبیر از آن مسدود باشد.^{۴۱} سرانجام رأی‌گیری به عمل می‌آید و متن جدید اصل سی و دوم قانون اساسی با ۵۳ موافق، ۳ مخالف و ۸ ممتنع تصویب می‌گردد.

این اصل بدون هیچ‌گونه بحثی و بدون اینکه هیچ کس با آن مخالفت کند، به تصویب می‌رسد. نکته جالب اینجاست که هنوز برخی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی از رد بيمورد اصل نوزدهم که از اصول بدیهی به‌شمار می‌رفت، ناخرسند بودند و از همه اعضا می‌خواهند که حتماً در جلسه‌ها حضور یابند تا بی‌جهت اصلی از اصول بنیادین قانون اساسی ضایع نگردد.^{۳۴}

گفتار پنجم: اصل سی و دوم

هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

این اصل طی دو جلسه بیست و نهم و سی‌ام کمابیش بحث‌هایی برانگیخته بود. اصل سی و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در آغاز بر اصل سی و پنجم پیش‌نویس قانون اساسی مبتنی بود:

«هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل حداکثر در مدت بیست و چهار ساعت به متهم ابلاغ شود.»^{۳۵}

نکته‌هایی که سخنرانان در جلسه‌های علنی مجلس خبرگان درباره این اصل بیان می‌کردند، از قرار زیر بود:

۱- حیطة شرع و قانون باید معلوم شود. چون دولت و حکومت، اسلامی شده است بنابراین تمام قوانین آن تلقی به شرعی بودن می‌شوند. بنا بر این همان واژه قانون بهتر از شرع است چون طبعاً

● با گذشت نزدیک به بیست سال از زمان تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به میزان عمل به این قانون طی این مدت، می‌توان پیشرفت یا پسرفت مردم‌گرایی و مدنیت را در کشور سنجید و بر این اساس واقع‌بینانه آینده را دید و رقم زد.

گفتار ششم: اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

این اصل نیز آن چنان بدیهی و عقل پذیر تصور شده است که بدون حتی يك رأی منفی و با بالاترین رأی مثبت، از تصویب خبرگان قانون اساسی می گذرد. اصل سی و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اصل سی و یکم پیش نویس قانون اساسی مبتنی بوده است:

«هر کس حق دارد به منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع کند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون باید درباره او حکم کند منصرف کرد و به دادگاه دیگری فرستاد.»^{۴۲}
دو نکته ای هم که در ارتباط با این اصل مورد دقت و امعان نظر خبرگان قانون اساسی قرار گرفت، نکته هایی نبود که فحواي اصل را خدشه دار کند بلکه در جهت تدقیق مفهومی آن بود:

۱- منظور از دادگاه صالح چیست؟^{۴۳}

۲- بهتر است عبارت طوری تنظیم شود که دولت را در قبال ملت مکلف به ایجاد دادگاه صالح نماید.^{۴۴}

گفتار هفتم: اصل سی و هفتم

اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هفتم قانون اساسی هم که بر اصل سی و دوم پیش نویس قانون اساسی پایه گرفته بود بدون بحث و مخالفتی از تصویب نمایندگان مجلس خبرگان می گذرد: «اصل برائت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»^{۴۵}

این اصل هم در کوتاه ترین زمان ممکن و تنها با يك پرسش و پاسخ در مورد تفاوت دو مفهوم متهم و مجرم و نیز تدقیق مفهوم دادگاه صالح با ۶۱ موافق و ۳ ممتنع به تصویب می رسید.^{۴۶}



اصول پیش گفته چنان بدیهی بوده که هر عقل سلیمی آن را بدون بحث و جدل می پذیرفته، حتی در مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی وضع چنان بوده است که یکی از خبرگان پیشنهاد می کند که اصول بدون مخالف را دسته دسته به رأی بگذارند.^{۴۷}

هر چند این پیشنهاد خلاف آیین نامه داخلی مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی بود و توسط نایب رییس مجلس مردود اعلام شد اما بیانگر آن است که واضعین نخستین قانون اساسی بسیاری از حقوق اساسی و آزادی های فردی را مسلم و بدیهی پنداشته تردیدی در آنها نداشته اند.

برای بررسی بهتر و دقیق تر بجاست مقایسه ای آماری بین اصول هفتگانه ای که درباره آنها سخن به میان آمد انجام دهیم:

● اصول هفتگانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در پیوند مستقیم با حقوق شهروندی قرار دارد با بیشترین آراء موافق و کمترین رأی مخالف به تصویب رسیده است.

| تعداد آراء | موافق | مخالف | ممتنع |
|-------------------|---------|--------|---------|
| ۱- اصل نوزدهم | ۵۷ | ۲ | ۷ |
| | ٪۸۶/۳۶۳ | ٪۳/۳۰ | ٪۱۰/۶۰۶ |
| ۲- اصل بیستم | ۵۸ | ۴ | ۵ |
| | ٪۸۶/۵۶۷ | ٪۵/۹۷ | ٪۷/۴۶۲ |
| ۳- اصل بیست و دوم | ۵۱ | ۰ | ۴ |
| | ٪۹۲/۷۲۷ | ۰ | ٪۷/۲۷۲ |
| ۴- اصل بیست و سوم | ۵۱ | ۰ | ۲ |
| | ٪۹۶/۲۲۶ | ۰ | ٪۳/۷۷۳ |
| ۵- اصل سی و دوم | ۵۳ | ۳ | ۸ |
| | ٪۸۲/۸۱۲ | ٪۴/۶۸۷ | ٪۱۲/۵ |
| ۶- اصل سی و چهارم | ۶۴ | ۰ | ۱ |
| | ٪۹۸/۶۴۱ | ۰ | ٪۱/۵۳۸ |
| ۷- اصل سی و هفتم | ۶۱ | ۰ | ۳ |

بر دستگاه دیگری از اندیشه سیاسی است نمی تواند عاری از آن اصول عقل پذیر و انسانی باشد.

۲- تجربه های مشترك بشری نیز بیانگر نکته مهمی است و آن این که کرامت انسان به پاسداشت حقوق فردی و جمعی، و گرامی داشتن آزادی های فردی و جمعی، وابسته است. برخی از اصول بنیادین زندگانی بشر، هم عقل پذیرند و هم شرع پذیر. حقوق شهروندی نیز یکی از آن حیطه هاست که مورد احترام همگان قرار گرفته و شرع و عقل نیز بر آن صحه نهاده اند بنابراین کمتر تشکیک پذیر و مجادله انگیز است.

۳- پیروزی انقلاب اسلامی ایران فضایی ملتهب و پرشور پدید آورد و در آن میان، همه افراد و گروهها از سرنگونی رژیم مشعوف شدند که بیش از همه و پیش از همه به سرکوبی حقوق اساسی و آزادی های فردی و جمعی پرداخته بود. در آن فضای آرمان گرایانه و انسان دوستانه اصول مرتبط با حقوق و آزادی ها، با نگرشی مثبت و بدون صرف وقت بیجا، در قانون اساسی به تصویب رسید.

۴- نویسندگان پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همگی به لحاظ فکری از افرادی محسوب می شدند که حقوق اساسی و آزادی های فردی و جمعی در چارچوب اندیشه سیاسی شان، مهم و پذیرفتنی تلقی می شد. نیز از یاد نبریم که متن قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان قانون اساسی، بویژه در اصول مربوط به حقوق ملت تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر متن پیش نویس قانون اساسی قرار داشت.

۵- پیروزی انقلاب اسلامی، گروهی را به عرصه حکومت کشاند که پیش از آن تجربه ای در کار زمامداری نداشتند و در عین حال امیدها و انگیزه هایی در دل داشتند. در داخل کشور، بسیاری از افراد و گروهها يك دستگاه عقیده و آرمان نوین و شارحان جدیدی را تجربه می کردند که مدعیات فراوانی را مطرح ساخته بودند. این انتظارات باعث می شد که گروههای پیروز برای نگاهداشت وجهه آبرومندانه انقلابی خود، با تکریم و تعظیم از حقوق شهروندی و حقوق ملت

از این مقایسه آماری می توان نتیجه گرفت که: يك) بیشترین آراء به ترتیب مربوط به اصول ۲۰-۱۹-۳۴-۳۲-۳۷-۲۲-۲۳؛

دو) بیشترین موافق به ترتیب مربوط به اصول ۳۴-۲۳-۳۷-۲۲-۲۰-۲۲-۳۷-۲۳-۳۴؛

سه) بیشترین ممتنع به ترتیب مربوط به اصول ۳۲-۱۹-۲۰-۲۲-۳۷-۲۳-۳۴؛

و چهار) کمترین مخالف نیز به ترتیب مربوط به اصول ۲۲ و ۲۳ و ۳۴ و ۳۷-۱۹-۳۲-۲۰ بوده است.

پنج) میانگین جمعی اصول هفت گانه:

| | | |
|---------------|------|---------|
| ۱- تعداد آراء | ۶۲ | ٪۱۰۰ |
| ۲- موافق | ۵۶/۴ | ٪۹۰/۹۶۷ |
| ۳- مخالف | ۱/۲ | ٪۱/۹۳۵ |
| ۴- ممتنع | ۴/۲ | ٪۶/۷۷۴ |

در حقیقت هفت اصل قانون اساسی که در پیوند مستقیم با حقوق شهروندی قرار دارد با بیشترین آراء موافق و کمترین رأی مخالف به تصویب رسیده است.

در پایان می توان به عنوان نتیجه گیری به عواملی اشاره کرد که موجب تسهیل روند تصویب حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شد.

۱- آنچه باعث شد اصول مربوط به حقوق شهروندی با بحث و جدل کمتری در مجلس خبرگان قانون اساسی به تصویب رسد، پیشینه ای بود که در قانون اساسی مشروطیت وجود داشت:

الف) از يك سو، اصولی که در نخستین قانون اساسی مکتوب کشورمان درج شده بود به طرز عقالایی نمی توانست در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وارد نشود زیرا انقلاب اسلامی با شعارهایی چون آزادی شروع شده و با هدف دستیابی به حقوق اساسی فردی تداوم یافته بود.

ب) از سوی دیگر، نوعی استلزام عقلی بین بنیادهای پیشین و پایه های نوین در تدوین قانون اساسی وجود دارد. اگر يك قانون اساسی مبتنی بر دستگاهی از اندیشه سیاسی، اصولی را برگزیند که عقل سلیم بشری بر آن صحه نهد، قانون اساسی دیگری هم که مبتنی

● آنچه باعث شد اصول مربوط به حقوق شهروندی با بحث و جدل کمتری در مجلس خبرگان قانون اساسی به تصویب رسد پیشینه ای بود که در قانون اساسی مشروطیت وجود داشت و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمی توانست خالی از آن باشد زیرا انقلاب اسلامی با شعارهایی چون آزادی شروع شده و با هدف دستیابی به حقوق اساسی فردی تداوم یافته بود.

۹. صورت، ص ۶۹۰.
۱۰. صورت، ص ۶۹۰.
۱۱. صورت، ص ۶۹۱.
۱۲. راهنما، ص ۷۶.
۱۳. راهنما، ص ۷۷.
۱۴. صورت، ص ۶۱۵.
۱۵. همان.
۱۶. صورت، صص ۶۱۷ و ۶۱۸.
۱۷. صورت، ص ۶۲۰.
۱۸. صورت، صص ۶۲۰ و ۶۲۱.
۱۹. صورت، ص ۶۲۲.
۲۰. صورت، صص ۶۲۳ و ۶۲۴.
۲۱. صورت، صص ۶۲۵ تا ۶۲۹.
۲۲. صورت، صص ۶۲۹ و ۶۳۰.
۲۳. صورت، ص ۶۹۱.
۲۴. راهنما، صص ۲۵ و ۲۶.
۲۵. راهنما، ص ۷۹.
۲۶. صورت، ص ۶۳۰.
۲۷. همان.
۲۸. صورت، ص ۶۳۱.
۲۹. همان.
۳۰. صورت، ص ۶۳۱.
۳۱. صورت، ص ۶۳۲.
۳۲. صورت، ص ۶۳۴.
۳۳. صورت، ص ۶۳۱.
۳۴. صورت، صص ۶۲۹ و ۶۳۰.
۳۵. راهنما، صص ۹۲ و ۹۳.
۳۶. صورت، ص ۷۵۴.
۳۷. صورت، صص ۷۵۸ و ۷۵۹.
۳۸. صورت، صص ۷۶۰ تا ۷۶۳.
۳۹. صورت، ص ۷۷۱.
۴۰. صورت، ص ۷۷۲.
۴۱. صورت، ۷۷۶.
۴۲. راهنما، ص ۹۵.
۴۳. صورت، ص ۷۵۱.
۴۴. صورت، ص ۷۵۱.
۴۵. راهنما، ص ۹۸.
۴۶. صورت، صص ۷۵۲ و ۷۵۳.
۴۷. صورت، ص ۷۵۳. اصول ۲۲، ۲۳، ۳۲، ۳۴ و ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط گروه چهارده نفره‌ای مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که از آن میان ده نفر مجتهد بودند.
۸. صورت، ص ۶۸۹.
- یاد کنند. در محیط خارجی نیز چشم‌های بسیاری نظاره‌گر کنش‌های انقلابیون فاتح بود. مهم‌ترین کنش انقلابیون تدوین قانون اساسی برای ساختار نوین سیاسی ایران بود. انقلابیون برای کسب و تقویت وجهه بین‌المللی خود می‌بایست بنیادها و اصولی را در قانون اساسی تصریح می‌کردند که بیانگر برخورداری شهروندان جمهوری اسلامی ایران از حقوق و آزادی‌های اساسی باشد. بنا بر این هم تمنیات داخلی و هم خواسته‌های بین‌المللی، واضعین قانون اساسی را در کردار منطقی خود استوارتر ساخت.
- ### پی‌نوشت‌ها
۱. حسین بشیریه، «مسائل اساسی در فلسفه سیاسی»، در دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی (تهران: مؤسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۴) ص ۴.
۲. همان، صص ۴ و ۵.
۳. برابان رد هد، اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو، ترجمه مرتضی کاخی و اکبر افسری (تهران: آگاه، ۱۳۷۳) ص ۱۱.
۴. همان.
۵. رجوع کنید به:
- الف) جعفر بوشهری، حقوق اساسی (تهران: گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶) صص ۲۹ تا ۷۸.
- ب) جعفر بوشهری، مسایل حقوق اساسی (تهران: دادگستر، ۱۳۷۶) صص ۳۳ تا ۵۲.
- پ) منوچهر طباطبایی مؤتمنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰) صص ۱۵ تا ۱۸.
۶. اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸) ص ۷۵. [از این پس با نام راهنما]
۷. اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: جلد یکم، جلسه اول تا سی و یکم (تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴) ص ۶۸۹. [از این پس با نام صورت]